بصیرت امام

فانوس

۸۲

در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی

شماره هشتاد و دوم/ پاییز ۱۴۰۴

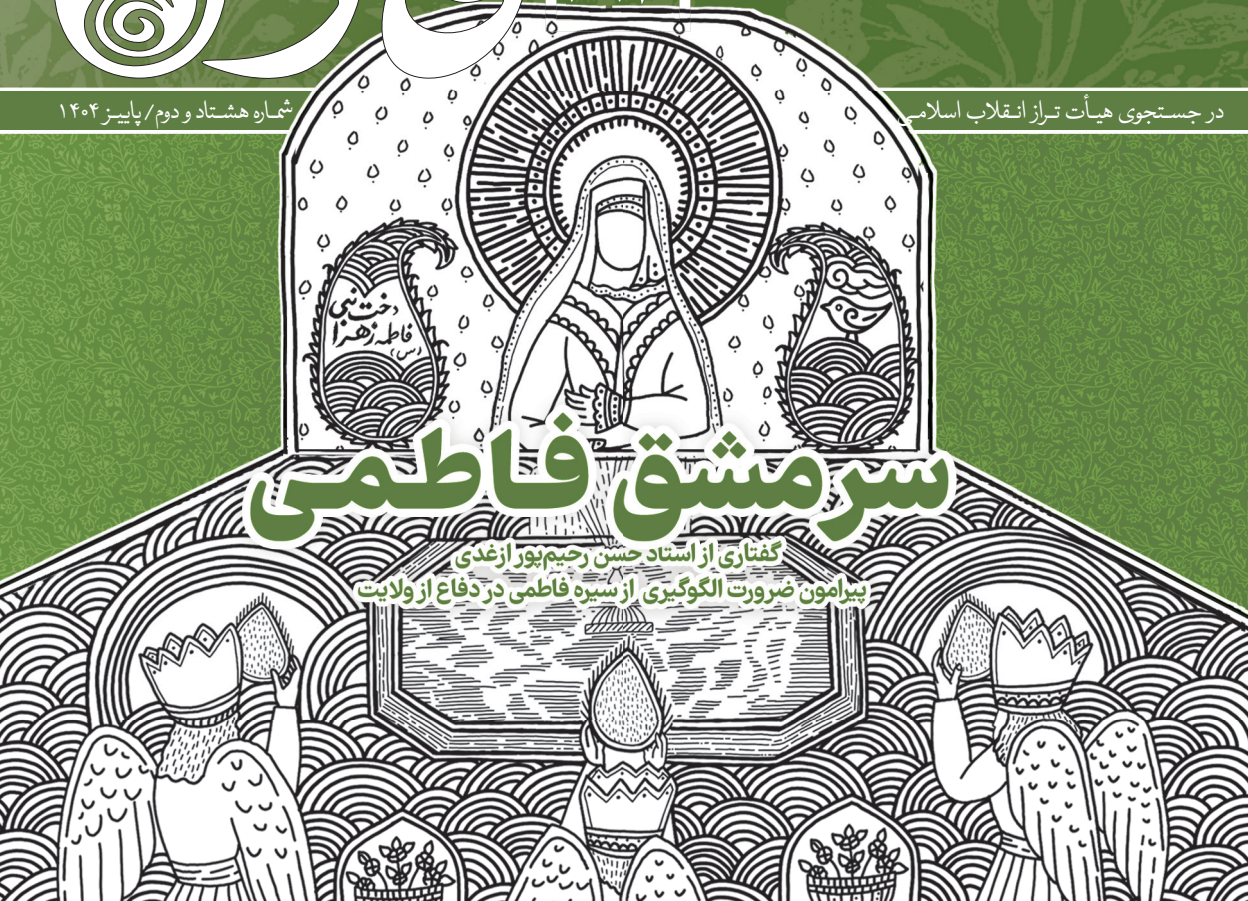

سرمشق فاطمی

گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی

پیرامون ضرورت الگوگیری از سیره فاطمی در دفاع از ولایت



فانوس ـ در جستجوی هیأت تراز انقلاب اسلامی
شماره هشتاد و دوم، پاییز ۱۴۰۴

سرمشق فاطمی

گفتاری از استاد حسن رحیم‌پور ازغدی پیرامون ضرورت الگوگیری از سیره فاطمی در دفاع از ولایت

هجدهمین همایش ملی هیأتهای محوری و برگزیده کشور؛ تهران، مجموعه فرهنگی شهدای سرچشمه، آبان ۱۴۰۲

تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
طراح جلد: علی ناصری
صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها، در صورت ذکر منبع آزاد می‌باشد.



جامعه ایمانی مشعر

قم ـ کد پستی: ۳۷۱۹۶ - ۱۵۶۴۷
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.۱۵۴۲.org
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲
رایانامه: info@۱۵۴۲.org

بسم الله الرحمن الرحیم

امام خامنه‌ای دام‌ظله:

«ما باید راه فاطمه زهرا علیهاالسلام **را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم. مگر نمی‌گوییم که «حَتّی تَوَرَّمَ قَدَماها»! این قدر در محراب عبادت خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم. ما هم باید محبت الهی را در دلمان روزبه‌روز زیاد کنیم. مگر نمی‌گوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت، تا حقی را احقاق کند؟ ما هم باید در همه حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمی‌گوییم که یک‌تنه در مقابل جامعه بزرگ زمان خود ایستاد؟»**[1]

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۷۰/۱۰/۰۵.

مقدمه

در گذر تاریخ، قیام عاشورا به‌عنوان نماد بیعت‌شکنی و ظلم‌ستیزی و قیام حضرت زهرا علیها السلام به‌عنوان نماد دفاع آگاهانه و بصیرتِ پایدار از ولایت، دو روی یک سکه و دو فصل از یک کتاب‌اند. هیأت‌های حسینی به‌عنوان میراث‌داران و تبیین‌گران نهضت حسینی، همواره رسالت بازخوانی واقعه کربلا را بر عهده داشته‌اند. اما این رسالت، زمانی به کمال می‌رسد که پیوند ناگسستنی این دو حماسه را به نمایش بگذارد. الگوگیری از سیره فاطمی، نه یک انتخاب؛ که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای حرکت در مسیر حسینی است.

هیأت حسینی، تنها زمانی می‌تواند مدافع راستین ولایت باشد که روحِ فاطمی بر آن حاکم باشد؛ روحی که در آن، عشق به امامت با خردورزی، استدلال منطق و روشن‌گری در برابر انحراف همراه است.

حضرت فاطمه علیهاالسلام در دفاع از حریم ولایت، تنها بر احساس تکیه نکرد؛ بلکه با استناد به قرآن و سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، خطابه خواند و حقانیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به اثبات رساند. این همان سیره‌ای است که هیأت‌ها باید بیاموزند: تبدیل هیجان زودگذر به بصیرتی ماندگار و تبدیل سوگواری محض به مدرسه‌ای برای تربیت سربازان مکتب ولایت.

متأسفانه، گاهی اوقات، فاصله میان این دو سیره (فاطمی و حسینی) در عمل هیأت‌ها مشهود است؛ شور بر شعور غلبه می‌کند و شناخت عمیق از اهداف قیام، جای خود را به احساسات صرف می‌دهد. این‌جاست که خطر انحراف از مسیر اصلی و استفاده ابزاری از مراسم عزاداری پدیدار می‌شود. بازگشت به سیره حضرت زهرا علیهاالسلام همان پادزهری است که هیأت را از این آفت مصون می‌دارد و به حرکتش عمق و جهت می‌بخشد.

این منشور بر آن است تا با واکاوی ابعاد مختلف سیره عملی حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در دفاع از ولایت - که برگرفته از بیانات استاد حسن رحیم‌پور ازغدی در هجدهمین همایش ملی هیأتهای محوری و برگزیده کشور است - راهکارهای عینی و کاربردی را برای الگوگیری هیأت‌های حسینی ارائه نماید. هدف نهایی، تربیت نسل‌هایی است که همانند مادرشان زهرا علیهاالسلام دل‌سوخته؛ ولی خردمند و عاشق؛ ولی استدلال‌گر باشند تا بتوانند در زمانه خود، ادامه‌دهنده راه امام حسین علیه‌السلام به شیوه فاطمی باشند.

هیأت؛ نماد بی‌همتای ایمان و جهاد در جهان اسلام

هیأت، یک شاه‌کلید است که روح اصلی آن، ترکیبی از روحیه جهادی و ایمانی است و اساس آن بر خلوص نیت استوار شده است.

در ادیـان و مذاهـب دیگـر، افراد مؤمن و علاقه‌مندی وجود دارند که انفاق می‌کنند، صدقه می‌دهند و وقف می‌کنند. اما به نظر من، در هیچ دین یا مسـلک دیگری، نهادی شـبیه به هیأت‌های خودمان دیده نمی‌شـود. هیأت، یک شـاه‌کلید اسـت که روح اصلی آن، ترکیبی از روحیه جهادی و ایمانی اسـت و اسـاس آن بر خلوص نیت اسـتوار شـده اسـت. این نهاد، کارکردهـای متنوعـی داشـته کـه در دوران قبـل از انقلاب، حین انقلاب و پـس از آن تداوم یافته است. پس از انقلاب، این کارکردها ده‌ها برابر افزایش یافته‌اند. هیأت‌ها در مساجد و حسینیه‌ها هم‌زمان نقش عبادی، زیارتی، تحکیم‌بخش ولایت و خدمت‌رسـانی به مردم را ایفا می‌کنند. در اوایل انقلاب، امنیت محلات و کمیته‌های انقلاب عمدتاً متکی به مساجد و هیأت‌هـا بودنـد و همین نهادهـا پایـگاه اصلی تـأمین امنیـت بودنـد. در طول هشت‌سـال

جنگ تحمیلی نیز مساجد به‌عنوان پایگاه اصلی اعزام رزمندگان و شهدا عمل می‌کردند و عموماً همان جوانان هیأتی در خط مقدم حاضر می‌شدند. امروز نیز در حوادثی مانند زلزله و سیل، این جمعیتِ باانگیزه و فداکار به میدان می‌آیند و به یاری مردم می‌شتابند. شاید نمونه‌هایی کم‌شمار و محدود از چنین تشکل‌هایی در جهان وجود داشته باشد؛ اما من شخصاً ندیده‌ام و اگر هم باشد، به گستردگی و عمق هیأت‌های ما نیست.

باتوجه‌به محوریت نام مبارک حضرت فاطمه علیهاالسلام و نقش ایشان در دفاع از ولایت و همچنین با درنظرگرفتن شرایط پیچیده جهانی که برخی اتفاقات آن کم‌سابقه یا حتی بی‌سابقه است، باید به عمق این موضوع پرداخت. امروزه رسانه‌های اصلی جهان که عمدتاً در دست سرمایه‌داران صهیونیست است، با محتوای سرگرمی‌محور و جهت‌دار، ذهن بشریت را به انحراف می‌کشند. آنان با بزرگ‌نمایی رنج‌های تاریخی یهودیان، ده‌ها برابر ظلم بیشتری را علیه مسلمانان و به‌ویژه مردم فلسطین روا می‌دارند. درحالی‌که در جنگ جهانی دوم، علاوه‌بر یهودیان، میلیون‌ها مسیحی نیز کشته شدند؛ اما تنها رنج یک گروه به طور مکرر برجسته می‌شود و این سؤال مطرح است که چه ارتباطی بین آن وقایع و ظلم‌های امروز علیه فلسطین وجود دارد.

مقاومت فلسطین؛ تجلی عملی تربیت فاطمی و دعوت به تشیع

اکنون جهان شاهد مقاومت بی‌نظیر مردم فلسطین است؛ مقاومتی که حتی فراتر از تصور بسیاری از ما بوده است. کودکان خردسال در غزه، با شجاعتی وصف‌ناشدنی، همچون عارفان مجاهد سخن می‌گویند و رفتار می‌کنند. صحنه‌هایی که از آنان دیده‌ایم، از دنیای عادی بسیار فراتر است؛ کودکی که در آستانه شهادت، به برادر زخمی‌اش شهادتین تلقین می‌کند، یا کودک دیگری که پس از شهادت تمام خانواده‌اش، تنها در میان خاک‌ها نشسته و با گفتن «یارَبّ» دل جهانیان را می‌لرزاند. این‌ها جلوه‌های تربیت اسلامی اصیل است که در مکتب پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام پرورش یافته‌اند. این‌گونه ایثارها و فداکاری‌ها تنها در پرتو تعالیم ناب اسلامی و سیره عملی بزرگان دین مانند حضرت زهرا علیهاالسلام قابل‌درک است.

این‌ها جلوه‌های تربیت اسلامی اصیل است که در مکتب پیامبر اکرم ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام پرورش یافته‌اند. این‌گونه ایثارها و فداکاری‌ها تنها در پرتو تعالیم ناب اسلامی و سیره عملی بزرگان دین مانند حضرت زهرا علیهاالسلام قابل‌درک است.

در فضـای مجـازی شـاهد واکنش‌هـای قابل‌تأمـل بسـیاری از غیرمسـلمانان، حتی برخـی یهودیـان، بـه ایـن صحنه‌های مقاومت بـوده‌ایم. آنان با دیدن ایسـتادگی مردم غزه، به اصل اسلام و قرآن توجه پیدا کرده و شروع به قرآن خواندن کرده‌اند.

چنانکه یک روشـنفکر عربی اشـاره کرده، اگر روزی شـاهد گرایش گسترده مسلمانان جهان بـه تشیع بـاشیم، نباید تعجب کـنیم؛ زیرا در عمل، شیعیان بودند که در کنار مردم فلسـطین ایسـتادند؛ از حـزب‌الله لبنان تا شیعیان زیدی یمـن، از ایران تا شیعیان عراق. این در حالی اسـت که بسیاری از علمای اهل‌سـنت تحت‌فشـار حکومت‌های خود جرأت صدور حکم جهاد ندارند. این‌جا دو شیوه تبلیغ تشیع آشکار می‌شود: یکی با توهین به مقدسات دیگران که تنها به تقویت وهابیت می‌انجامد و دیگری، با عمل به وظایف، خدمت به مسـتضعفان جهـان و معـرفی درسـت مکتـب اهل‌بیـت علیهم‌السلام کـه همـان شیوه امـام خمینی قدس‌سره و سیدحسـن نصرالله قدس‌سره اسـت. این شیوه دوم اسـت که میلیون‌ها غیرمسـلمان را پس از انقلاب اسلامی به اسلام و تشیع جذب کرده است. این راهی است که از ایران آغاز شد، با نام حسین علیه‌السلام و حضـرت زینـب علیهاالسلام پیـش رفـت، منطقـه را آزاد کـرد و ان‌شـاءالله به رهایی قـدس خواهد انجامید.

اربعین؛ تجلی تمدن اسلامی در برابر افول غرب

این دوره، نمایشگاه بی‌آبرویی برای غرب و شعارهای پوچ آنان است. آنانی که همیشه خود را مدافع آزادی بیان می‌دانستند، امروز به مروج دیکتاتوری آشکار تبدیل شده‌اند.

راهپیمایی اربعین در تاریخ بشر بی‌نظیر است؛ پدیده‌ای که با پرچم اهل‌بیت علیهم‌السلام و در پرتو انقلاب اسلامی به ظهور رسید و هیچ سابقه‌ای در گذشته ندارد. این حرکت عظیم، همراه با دیگر اتفاقات شگفت‌انگیز در جهان اسلام، نشان‌دهنده ظهور حقایق است که پیش‌ازاین پنهان مانده بود. البته مشکلات و کاستی‌هایی نیز وجود دارد که باید با اصلاح و تکمیل پروژه‌های ناقص، در صدد رفع آن‌ها برآییم؛ اما آنچه مسلم است، کار بزرگی در حال انجام است.

از سوی دیگر، رسانه‌های غربی که همواره ادعای دفاع از آزادی بیان و حقوق بشر را دارند، امروز به‌خوبی رسوا شده‌اند. هنگامی که مردم در غرب، همانند تظاهرات گسترده در واشنگتن، علیه ظلم و جنایت فریاد برمی‌آورند، دولت‌مردان غربی به سرکوب و محدودیت

متوسـل می‌شـوند. دولت فرانسـه با جریمه و محدودیت از هرگونه انتقاد به رژیم صهیونیستی جلـوگیری می‌کنـد و مقامـات آمریـکایی تهدید می‌کننـد که معترضان را از دانشـگاه اخراج و از اشـتغال محروم خواهنـد کـرد! این همان نظامی اسـت که مدعی دموکـراسی بود؛ ولی امروز کوچک‌ترین انتقادی را برنمی‌تابد!

این دوره، نمایشـگاه بی‌آبرویی برای غرب و شـعارهای پوچ آنان است. آنانی که همیشه خود را مدافع آزادی بیان می‌دانسـتند، امروز به مروج دیکتاتوری آشـکار تبدیل شـده‌اند. توهین بـه مقدسـات اسلامـی و مسیحی مجاز اسـت؛ امـا کوچک‌ترین انتقاد بـه رژیم صهیونیستی با شـدیدترین برخوردها مواجه می‌شـود. این افشـای بزرگ، حقیقت پشت‌پرده تمدن غربی را نشـان می‌دهـد و ثابـت می‌کنـد کـه عدالـت و آزادی واقعی تنهـا در پرتـو اسلام و مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام قابل دست‌یابی است.

عبادت فاطمی؛ گذر از حسینیه تا عرصه اجتماعی

وقتی بحث دفاع از ولایت مطرح می‌شود، یک اشتباه ذهنی در میان برخی افراد وجود دارد که عزاداری، زیارت و ذکر مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام را صرفاً به‌معنای دل‌سوزی برای آن بزرگواران تفسیر می‌کنند. گویی آنان تصور می‌کنند که این اعمال تنها واکنشی عاطفی به ظلم‌هایی است که بر خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رفته است؛ گویی ما فقط برای ایشان گریه می‌کنیم؛ چون اموالشان غصب شد، آزار دیدند و به شهادت رسیدند. اما حقیقت این است که عزاداری و ذکر مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام، پیش از آنکه برای آنان مفید باشد، برای خود ما مفید است. بی‌تردید درود و صلوات فرستادن برای آنان، نور و رحمت به‌همراه می‌آورد؛ اما هدف اصلی این اعمال، تأثیرگذاری بر روح و روان خود ماست.

حقیقت این است که عزاداری و ذکر مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام، پیش از آنکه برای آنان مفید باشد، برای خود ما مفید است.

متأسفانه، برخی این رابطه را به شکلی سطحی و شبیه به روابط عادی دنیایی تفسیر می‌کنند؛ مانند زمانی که برای مشکلی که برای پسرخاله‌مان پیش‌آمده ناراحت می‌شویم. این نگاه، حتی گاهی به‌نوعی طلب‌کاری منجر می‌شود که گویا ما با عزاداری خود وظیفه‌ای را انجام داده‌ایم و حالا انتظار داریم مشکلاتمان به طور معجزه‌آسایی حل شود؛ مثلاً انتظار داریم خانه‌دار شویم، مدرک بگیریم یا دشمنانمان نابود شوند. همین نگاه طلب‌کارانه گاهی در مورد امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز دیده می‌شود؛ با این بیان که «آقا مگر نمی‌بینی چه خبر است؟ پس کی می‌خواهی بیایی؟!» انگار که ایشان پشت در ایستاده‌اند و وعده داده‌اند که کارهای ما را انجام دهند! این در حالی است که انتظار واقعی باید همراه با عشق و اشتیاق باشد؛ نه با عتاب و طلب‌کاری. بیان جمله‌هایی مانند «مهدی بیا» اگر از روی عشق و انتظار باشد، ارزشمند است؛ ولی اگر با روحیه طلب‌کاری و عتاب باشد، از مسیر اصلی خود خارج شده است.

غصب ولایت؛ محرومیت بشریت از هدایت الهی

مسئله غصب حق ولایت و حکومت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تنها محروم‌کردن ایشان از مقام دنیایی نبود؛ بلکه محروم‌کردن مردم از هدایت و رهبری الهی بود. این اتفاق را نمی‌توان با غصب یک مال یا حق عادی مقایسه کرد؛ چراکه این‌جا بحث ازدست‌دادن یک رهبر الهی است که این امر، جامعه را از مسیر خود منحرف کرد. اهل‌بیت علیهم‌السلام هرگز از مرگ و شهادت هراسی نداشتند و آن را مصیبتی برای خود نمی‌دانستند؛ بنابراین، عزاداری و گریه بر مصائب آنان در واقع گریه برای رشد و آگاهی خود ماست. این اشک‌ها دفاع از حق و موضع‌گیری در برابر ظلم است و نشان می‌دهد که ما در جبهه حق قرار داریم. امام حسین علیه‌السلام به اشک ما نیاز ندارد؛ بلکه این ما هستیم که به برکت گریه بر اباعبدالله علیه‌السلام نیازمند تزکیه و تعالی روحیم.

عزاداری و گریه بر مصائب آنان در واقع گریه برای رشد و آگاهی خود ماست. این اشک‌ها دفاع از حق و موضع‌گیری در برابر ظلم است و نشان می‌دهد که ما در جبهه حق قرار داریم.

وقتی گفته می‌شود حق ولایت علی علیه‌السلام غصب شد، در واقع حق بشریت برای بهره‌مندی از رهبری الهی و عدالت محروم گردید. خود حضرت امیر علیه‌السلام می‌فرمایند: «مرا رها کنید...!» حتی پس از وقایع دوران خلیفه سوم، زمانی که مردم برای بیعت با ایشان هجوم آوردند، نقل شده که دست خود را مشت می‌کرد و نمی‌گذاشت بیعت کنند! این سؤال پیش می‌آید که چرا پس از سال‌ها تأکید بر غصب حق، حالا که مردم آگاه شده‌اند، بیعت آنان را نمی‌پذیرد؟ پاسخ در نگرش عمیق امام به مفهوم حکومت نهفته است. ایشان می‌فرمایند: «من وزیر باشم بهتر از آن است که امیر باشم.» یعنی ترجیح می‌دهند در نقش مشاور و ناظر عمل کنند و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر نمایند؛ بدون آن‌که بار حکومت را مستقیم بر دوش کشند.

حتی زمانی که مسئله فدک مطرح می‌شود، این پرسش به ذهن می‌رسد که چرا هنگام رسیدن به خلافت، فدک را از بیت‌المال پس نگرفتند؟ اگر مسئله تنها مالکیت شخصی بود، چرا اقدامی نکردند؟ پاسخ این است که فدک، تنها یک قطعه زمین نبود؛ بلکه نماد حق غصب‌شده و ظلمی بود که به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شده بود. اما امام علیه‌السلام هرگز برای منافع شخصی اقدام نکردند. هنگامی که مردم برای بیعت آمدند، ایشان شرط گذاشتند: بیعت در مسجد و با حضور همگان انجام شود و همچنین فرمودند: «من مانند گذشته حکومت نمی‌کنم؛ بلکه حکومت را به سبک پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله اداره خواهم کرد.» این یعنی

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی که قطعاً با مخالفت‌ها و مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد. حتی هشدار دادند که بسیاری از همان بیعت‌کنندگان، در میانه راه پشیمان خواهند شد. این شرط‌ها نشان می‌دهد که برای امام، حکومت نه یک مقام؛ که مسئولیتی سنگین در برابر خدا و مردم بود.



شرایط به حدی سخت و پیچیده شده بود و خطر جنگ داخلی به‌قدری جدی بود که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مجبور شدند بسیاری از حقایق را آشکار نکنند.

از سقیفه تا امروز؛ درس‌های مدیریت بحران از سیره فاطمی

حـالا اگـر حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام نبودند، میراث تمـام انبیاء و میراث پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله از بین رفته بود و به فراموشی سـپرده می‌شـد؛ زیرا شـرایط به حدی سـخت و پیچیده شـده بود و خطـر جنـگ داخلی به‌قدری جدی بـود که حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام مجبور شـدند بسیاری از حقایق را آشـکار نکنند. نقل شـده اسـت که در همان ماجرای حصر و هجوم به خانه و حوادث پس از سقیفه، حضرت فاطمه علیهاالسلام از امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌پرسند: «چرا شما سکوت کرده‌اید؟!» اما این پرسش، نه از روی تمایل به قدرت‌طلبی یا مقام‌خواهی بود؛ بلکه نگرانی از خطـر انحـراف اسلام بود. حضرت امیر در پاسـخ فرمودنـد: «اگر می‌خواهی ندای اذان و شهادت به رسالت پیامبر باقی بماند (یعنی اگر می‌خواهی اسلام پایدار بماند) من نباید وارد درگیری شوم.»

در نهج‌البلاغه نیز آمده است که ایشان فرمودند: «من مقاومت کردم، سخن گفتم و افشاگری نمودم؛ اما از یک لحظه به بعد دریافتم که اگر ادامه دهم، جنگ داخلی آغاز خواهد شد و سپس خواهند گفت: این چه دینی بود که به محض رفتن پیامبر ﷺ، نزدیکانش مانند ابوبکر، عمر، عثمان، علی، طلحه و زبیر برای قدرت با یک‌دیگر درگیر شدند؟» حضرت افزودند: «متوجه شدم که اگر پافشاری کنم، هم برداشت‌های نادرستی خواهد شد و هم جنگ داخلی رخ خواهد داد و اسلام نابود خواهد شد. مسئله صفر و صد نیست. نمی‌توانم بگویم یا تمام حق را می‌گیرم یا وارد جنگ می‌شوم؛ زیرا در آن صورت، هزاران نفر کشته خواهند شد و چه‌بسا اسلام نیز از بین برود.»

در این میان، حتی برخی تازه مسلمانان داشتند مرتد می‌شدند؛ زیرا با مشاهده اختلافات درباره رهبری پس از پیامبر ﷺ، به شک افتاده بودند. حضرت تصمیم گرفتند مخالفت خود را اعلام کنند؛ اما بیعت نیز نمایند. انتقاد کنند؛ اما مشورت نیز دهند. این رویکرد را می‌توان «همکاری انتقادی» نامید: عدم‌پذیرش مشروعیت حاکمان؛ اما هم‌کاری برای حفظ هرچه بیشتر احکام اسلام و جلوگیری از انحراف بیشتر؛ زیرا هدف نهایی، حفظ دین خدا بود؛ حتی اگر به قیمت سکوت در برابر برخی ظلم‌ها تمام شود.

این رویکرد را می‌توان «همکاری انتقادی» نامید: عدم‌پذیرش مشروعیت حاکمان؛ اما هم‌کاری برای حفظ هرچه بیشتر احکام اسلام و جلوگیری از انحراف بیشتر؛ زیرا هدف نهایی، حفظ دین خدا بود؛ حتی اگر به قیمت سکوت در برابر برخی ظلم‌ها تمام شود.

فاطمه علیها السلام؛ الگوی زنانه دفاع از ولایت ناب

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از ولایت دفاع کرد؛ اما نه به این معنا که صرفاً شوهر ایشان باید رهبر می‌شد و ایشان بانوی اول می‌شد! مسئله عمیق‌تر از این حرف‌هاست. متأسفانه برخی تنها به اثبات خلافت بلافصل امام علی علیه السلام در غدیر اکتفا می‌کنند؛ اما به این نمی‌پردازند که ولایت ایشان چه تفاوتی در سبک زندگی ایجاد می‌کند. اگر جامعه‌ای مدعی تشیع است؛ ولی دروغ، طلاق، کلاه‌برداری، خیانت و اختلافات در آن همانند جوامع غیرمسلمان بیداد می‌کند، این ثمره ولایت علی نیست. تشیع تنها به عزاداری و زیارت محدود نمی‌شود؛ بلکه باید در تمام شئون زندگی نمود داشته باشد.

حضرت فاطمه علیها السلام به‌صراحت فرمودند: هر کس به آن‌گونه که ما زندگی کردیم و به آنچه ما گفتیم عمل نکند، شیعه ما نیست؛ بنابراین، باید پرسید: بودونبود حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

در زندگی ما چه تفاوتی ایجاد می‌کند؟ آیا غیر از مراسم و مناسک، تفاوت دیگری با دیگران داریم؟ اگر رفتارمان همانند دیگران است، ادعای تشیع ما چه معنایی دارد؟ ولایت امام علی علیه‌السلام یعنی عدالت، صداقت، امانت‌داری و تقوا در تمام عرصه‌ها. اگر این ارزش‌ها در زندگی ما جاری نیست، پس تنها به ظاهر تشیع چسبیده‌ایم و از حقیقت آن دور مانده‌ایم! این‌جاست که باید از خود بپرسیم: آیا حرف‌های حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را می‌دانیم و به آن عمل می‌کنیم؟ یا فقط نام ایشان را بر زبان می‌بریم؛ بی‌آنکه اثری از سیره او در زندگی‌مان دیده شود؟

آیا غیر از مراسم و مناسک، تفاوت دیگری با دیگران داریم؟

اگر رفتارمان همانند دیگران است،

ادعای تشیع ما چه معنایی دارد؟

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام در دفاع از ولایت، به‌روشنی بیان می‌کنند که مسئله، منافع شخصی اهل‌بیت علیهم‌السلام نیست؛ بلکه منافع و هدایت مردم است. ایشان می‌فرمایند: «خداوند اطاعت از ما را نظام‌بخش ملت و امامت ما را مایه امان از تفرقه قرار داد.» این یعنی ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام، پاسخی الهی برای جلوگیری از اختلاف و ایجاد نظم در جامعه اسلامی است. متأسفانه امروزه برخی تنها به ظواهر تشیع مانند عزاداری می‌پردازند؛ بدون آن‌که به عمق این معنا توجه کنند که ولایت باید در سبک زندگی و رفتارهای روزمره ما تجلی یابد.

حکومت خدمت؛ الگوی مدیریت علوی از منظر فاطمی

حضرت زهرا علیها السلام خود نمونه کامل نگرانی از آخرت و مسئولیت در برابر اعمال بودند. نقل شده که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را در حال گریه و تفکر یافتند و وقتی دلیل آن را پرسیدند، حضرت پاسخ دادند: «به قیامت و آخرت فکر می‌کنم.» پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به ایشان فرمودند: «اگر برای آخرت گریه می‌کنی، به جا است؛ چراکه پس از مرگ، گردنه‌های سخت و مسائل دشواری در پیش است.» حتی پیامبر صلی الله علیه و آله به خانواده خود هشدار دادند که گمان نکنند به‌صرف نسبت خانوادگی، نجات یافته‌اند؛ بلکه هرکس مسئول اعمال خویش است. این نشان می‌دهد که اهل‌بیت علیهم السلام نه‌تنها مغرور به جایگاه خود نبودند؛ بلکه همواره با تقوا و احساس مسئولیت بسیار بیشتری نسبت به دیگران زندگی می‌کردند.

بنابرایـن، دفـاع از ولایـت تنها به معنای اثبـات حقانیت حضرت علی علیه‌السلام نیسـت؛ بلکه به معنـای تـبیین نقش رهـبری اهل‌بیت علیهم‌السلام در ایجـاد جامعه‌ای مبتنی بـر عدالت، صداقت و تقـوا اسـت. اگـر جامعـه شیعه به ایـن ارزش‌ها عمل نکنـد، ادعای تشیـع او پوچ و بی‌معنا خواهد بود. حضرت فاطمه علیهاالسلام به ما می‌آموزند که ولایت باید در عمل و اخلاق ما متجلی شود؛ نه صرفاً در مراسم و شعائر.

دفاع از ولایت تنها به معنای اثبات حقانیت حضرت علی علیه‌السلام نیست؛

بلکه به معنای تبیین نقش رهبری اهل‌بیت علیهم‌السلام در ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، صداقت و تقوا است.

حضـرت امیرالمؤمـنین علیه‌السلام به‌روشنی بیان می‌کنند که اگر نـه حضور مردم در صحنه بود و نه تکلیـف الهی بر عهـده علما قرار داشـت، هرگز خلافـت را نمی‌پذیرفتند. ایشـان می‌فرمایند: «لَـوْلَا حُـضُورُ الْحَاضِـرِ وَقِيَـامُ الْحُجَّـةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ»؛ اگر حضور حاضـران و اتمام حجت با وجود یاری‌کنندگان نبود، هرگز این مسئولیت را بر عهده نمی‌گرفتم. حتی در دوران خلافت، هنگامی که ابن‌عباس ایشـان را در حال وصله‌زدن کفشـی کهنه دید و تعجب کرد، امام در پاسـخ فرمودند: «به خدا سـوگند، این خلافت در نزد من از این کفش بی‌ارزش‌تر اسـت!» و در جایی دیگر، حکومت دنیایی را به استخوان خوکی در دست جذامی یا به آب بینی بز تشبیه کردند که هیچ‌کس میلی به آن ندارد.

اگر جامعه شیعه به این ارزش‌ها عمل نکند، ادعای تشیع او پوچ و بی‌معنا خواهد بود.

پس دفاع از ولایت علی علیه‌السلام به معنای دفاع از مقام شـخصی ایشـان نیسـت؛ بلکه دفاع از محتوای آن ولایت اسـت؛ یعنی دفاع از عدالت، هدایت و تربیت انسـان‌ها. ولایت علی علیه‌السلام یعنی ایجاد جامعه‌ای که در آن ظلم نباشـد، مظلوم گرسـنه نماند و عالم در برابر ستم سـکوت

نکند. اگر ما تنها به اثبات حقانیت امامت ایشـان بسـنده کنیم، ولی در عمل، دروغ، ظلم، اختلاف و بی‌عدالتی در زندگی ما جاری باشد، از حقیقت ولایت دور افتاده‌ایم. دفاع واقعی از ولایـت، یـعنی تلاش بـرای تحقـق عدالـت و اخلاق در خود و جامعـه؛ همان‌گونه که امام علی علیه‌السلام فرمودند: «خداوند از عالمان تعهد گرفته که در برابر شکم‌بارگی ستم‌گران و گرسنگی مظلومان سـکوت نکنند.» این همان روح ولایت اسـت که باید در هیأت‌های حسینی و در زندگی هر شیعه‌ای زنده باشد.

دفاع فاطمی؛ الگویی برای مبارزه فرهنگی با انحرافات

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در برابر جمعی از زنان مهاجر و انصار که برای عیادت ایشان آمده بودند، با شجاعت به افشاگری پرداختند و فرمودند: «به خدا سوگند! اگر مردم از زمامی که رسول خدا به علی سپرد، غافل نمی‌شدند و آن را رها نمی‌کردند، او آن را محکم می‌گرفت و جامعه را به وحدت می‌رساند.» این بیان نشان می‌دهد که امامت علی علیه السلام تنها برای حفظ حقوق شخصی او نبود؛ بلکه برای جلوگیری از تفرقه و ایجاد اتحاد در جامعه اسلامی بود. حضرت زهرا علیها السلام تأکید کردند که اگر ولایت علی پذیرفته می‌شد، او می‌توانست امت را چنان متحد کند که همه مانند برادر و خواهر در کنار هم زندگی کنند و هیچ‌کس به فکر ظلم به دیگری نباشد.

به خدا سوگند!
اگر مردم از زمامی که رسول خدا به علی سپرد، غافل نمی‌شدند و آن را رها نمی‌کردند، او آن را محکم می‌گرفت و جامعه را به وحدت می‌رساند.

ایشـان همچـنین بـه هشـدار پیامبر اکـرم ﷺ اشـاره کردند کـه فرمودند: «بعـد از من مراقب باشید که قدرتمندان، ضعفا را پشت درهای بسته نخورند.» این یعنی ولایت علی علیه‌السلام ضامن عدالـت و مانـع از ظلم قدرتمندان به مسـتضعفان اسـت. متأسـفانه با غصـب خلافت، این وحـدت و عدالـت از جامعـه گرفته شـد و تفرقـه و ستم جایگزین آن گردیـد؛ بنابراین، دفاع حضـرت فاطمـه علیهاالسلام از ولایـت، در واقع دفاع از حق مردم برای زندگـی در جامعه‌ای متحد و عادلانه بود؛ نه دفاع از مقام و موقعیت شـخصی. این همان محوری اسـت که هیأت‌های حسینی باید به آن توجه کنند: تبیین ولایت به‌عنوان عاملی برای وحدت، عدالت و تربیت انسان‌ها؛ نه صرفاً یک مفهوم انتزاعی.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام با بیانی روشن و قاطع، هدف از امامت و ولایت را نه منافع شخصی؛ بلکه حفظ وحدت و عدالت در جامعه اسلامی بیان می‌کنند. ایشان می‌فرمایند: «به خدا سـوگند! اگر مردم از زمامی که رسول خدا ﷺ به علی علیه‌السلام سـپرد، غافل نمی‌شـدند و آن را رها نمی‌کردنـد، او آن را محکـم می‌گرفـت و جامعـه را از تفرقه و چنددسـتگی نجات می‌داد.» این یعنی اگر خلافت به حقِ علی علیه‌السلام می‌رسید، جامعه‌ای متحد و منسـجم شـکل می‌گرفت که در آن هیچ‌کس به فکر سوءاسـتفاده از دیگری نبود؛ بلکه همه مانند اعضای یک خانواده بـه هـم خدمت می‌کردند؛ همان‌گونه که امروز در زیارت اربعین شـاهد آن هسـتیم؛ جایی که مردم برای خدمت به یک‌دیگر رقابت می‌کنند.

ولایت؛ درمان آشفتگی‌های جامعه اسلامی

ولایت علی علیه‌السلام یعنی ایجاد نظم در ایمان و معرفت دینی؛ به‌گونه‌ای که مؤمنان دچار تناقض‌های فکری نشوند و بدانند به چه چیزی معتقدند. متأسفانه امروزه برخی منبرها و سخنرانی‌ها پر از مطالب متناقض است که مردم را سردرگم می‌کند؛ ولی اگر ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌درستی تبیین شود، این آشفتگی‌ها از بین می‌رود. حضرت فاطمه علیهاالسلام تأکید می‌کنند که امامت اهل‌بیت علیهم‌السلام «أَمَاناً لِلْفُرْقَة» است؛ یعنی مانع از تفرقه و ظلم طبقاتی می‌شود و نمی‌گذارد عده‌ای در رفاه کامل زندگی کنند؛ درحالی‌که دیگران از گرسنگی می‌میرند.

ایشان همچنین تصریح می‌کنند که اگر مردم در صحنه حاضر می‌شدند و از ولایت علی علیه‌السلام حمایت می‌کردند، او هرگز آن را رها نمی‌کرد؛ حتی با آن‌که شخصاً هیچ علاقه‌ای به قدرت

دفاع از ولایت، در واقع دفاع از منافع مردم است؛

دفاع از جامعه‌ای که در آن برادری، عدالت و وحدت حاکم باشد.

این همان پیامی است که هیأت‌های حسینی باید با الهام از سیره فاطمی به مردم منتقل کنند.

دنیایی نداشت؛ بنابراین، دفاع از ولایت، در واقع دفاع از منافع مردم است؛ دفاع از جامعه‌ای که در آن برادری، عدالت و وحدت حاکم باشد. این همان پیامی است که هیأت‌های حسینی باید با الهام از سیره فاطمی به مردم منتقل کنند.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با بیان شیوا و عمیق خود، تصویری روشن از حکومت علوی ترسیم می‌کنند. ایشان می‌فرمایند اگر مردم، زمام رهبری را که پیامبر صلی الله علیه و آله به دست علی علیه السلام سپرد، رها نمی‌کردند و از او حمایت می‌کردند، علی علیه السلام جامعه را به‌گونه‌ای رهبری می‌کرد که «سیراً سجحاً» پیش می‌رفت؛ یعنی مسیری هموار، آرام و بدون دست‌اندازهای غیرضروری. در چنین جامعه‌ای، هزینه‌های بی‌مورد، درگیری‌ها و مشکلاتی که امروز شاهد آن هستیم، به وجود نمی‌آمد. حضرت علی علیه السلام کاروان بشریت را چنان مدیریت می‌کرد که هیچ‌کس در راه رسیدن به کمال، خسته یا دچار آسیب نمی‌شد. حتی عبارت «لَا یَکْلُمُ خِشَاشُهُ وَلَا یُتَعْتَعُ رَاکِبُهُ» به این معنا است که نه‌تنها انسان‌ها؛ بلکه حتی چهارپایان نیز در این مسیر آزار نمی‌دیدند و هیچ رهروپی به دلیل ناهمواری‌های راه دچار لغزش و سقوط نمی‌شد.

این بیان حضرت زهرا علیها السلام که در اوج فشارهای سیاسی و روحی ایراد شد، نشان می‌دهد که دفاع ایشان از ولایت، دفاع از جامعه‌ای است که در آن عدالت، آرامش و تربیت اصیل اسلامی حاکم باشد. اگر حکومت حضرت علی علیه السلام محقق می‌شد، نه‌تنها اختلافات مذهبی و فرقه‌ای به وجود نمی‌آمد؛ بلکه فرهنگ جامعه به‌گونه‌ای شکل می‌گرفت که هیچ‌کس

به انحرافات فکری یا اخلاقی دچار نمی‌شد. خوارج، ارتدادها و دیگر بحران‌های پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، هیچ‌کدام رخ نمی‌داد. این یعنی ولایت علی علیه‌السلام ضامن سعادت مادی و معنوی مردم است؛ نه یک مقام دنیوی؛ بنابراین، هیأت‌های حسینی باید با الهام از این سخنان، ولایت را نه به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی؛ بلکه به‌عنوان الگویی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، متحد و مبتنی بر ارزش‌های فاطمی معرفی کنند.

هیأت‌های حسینی باید با الهام از این سخنان، ولایت را نه به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی؛ بلکه به‌عنوان الگویی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه، متحد و مبتنی بر ارزش‌های فاطمی معرفی کنند.

عدالت علوی؛ مدل حکمرانی برای سیراب‌کردن تشنگان حق

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام با عباراتی پرمعنا و نغز، ثمرات حکومت علوی را چنان توصیف می‌کنند که گویی تصویری زنده از بهشت عدالت را پیش چشم می‌آورند. ایشان می‌فرمایند: «وَ لَأَوْرَدَهُمْ مَنْهَلًا نَمِيراً فَضْفَاضاً». حضرت علی علیه السلام امت را به آبشخوری سرشار و فراوان می‌رساند؛ آبشخوری که از هر سو سرریز می‌کند و هیچ‌کس را تشنه باقی نمی‌گذارد. این تعبیر، نماد رفاه، عدالت و برکتی است که در سایه حکومت او بر زمین و آسمان جاری می‌شد. اما در مقابل، تاریخ نشان داد که امت اسلامی چه آب شور و تلخی را چشید؛ چه محرومیت‌ها و اختلافاتی که به جان خرید.

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه می‌فرمایند: «علی علیه السلام امت را چنان سیراب می‌کند که همه بدون تبعیض بهره می‌برند؛ اما سهم خود او از این حکومت تنها به‌اندازه‌ای است که از تشنگی

نمیرد.» یعنی او هرگز خود را در رفاه قرار نمی‌دهد؛ بلکه همچون مستمندان زندگی می‌کند تا هیچ محرومی در جامعه نماند. این همان عدالتی است که دنیا تنها شعار آن را می‌دهد؛ ولی امیرالمؤمنین علیه‌السلام آن را در عمل محقق می‌سازد. ولایت او یعنی آبادی دنیا و آخرت مردم؛ نه انباشت ثروت و قدرت برای خود.

متأسفانه، با غصب این ولایت، جامعه از این نعمت‌های بی‌کران محروم ماند و به‌جای عدالت، تبعیض؛ به‌جای وحدت، تفرقه و به‌جای رفاه همگانی، شکاف طبقاتی گسترش یافت؛ بنابراین، دفاع از ولایت علی علیه‌السلام، در واقع دفاع از حق مردم برای زندگی در جامعه‌ای است که در آن هیچ‌کس گرسنه نماند، هیچ‌کس تشنه عدالت نباشد و همه در سایه حکومتی الهی به آرامش برسند. این همان پیامی است که هیأت‌های حسینی باید با الهام از سیره فاطمی آن را فریاد بزنند: ولایت یعنی عدالت برای همه، حتی اگر رهبر خود در سختی باشد.

متأسفانه، با غصب این ولایت، جامعه از این نعمت‌های بی‌کران محروم ماند و به‌جای عدالت، تبعیض؛ به‌جای وحدت، تفرقه و به‌جای رفاه همگانی، شکاف طبقاتی گسترش یافت.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام با بیانی ژرف و آتشین، ثمرات حکومت علوی را چنان ترسیم می‌کنند که گویی چشمه‌ای زلال از عدالت و رحمت است. ایشان می‌فرمایند: «اگر امت، زمام رهبری را که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دست علی علیه‌السلام سپرد، رها نمی‌کرد، علی علیه‌السلام آنان را به «مَنْهَلًا نَمِيراً فَضْفَاضاً» می‌رساند؛ به آبشخوری سرشار و بی‌کران که از هر سو سرریز می‌شود و هیچ

تشـنه‌ای را فروگذار نمی‌کند. این تعبیر، نماد جامعه‌ای اسـت که در سـایه ولایت علی علیه‌السلام، از برکات مادی و معنوی بهشت و زمین بهره می‌برد و هیچ محرومیتی در آن نیست.

امـا سـهم خـود علی علیه‌السلام از ایـن حکومـت چیسـت؟ حضـرت زهـرا پاسـخ می‌دهنـد: «تنهـا به‌اندازه‌ای که از تشـنگی نمیرد!»؛ یعنی او همه را سیراب می‌کند؛ اما خود به اندک قناعت می‌کند تا نشان دهد ولایت، خدمت است نه سلطه؛ عدالت است نه انباشت قدرت. این همـان الـگویی اسـت که دنیای امروز در آرزوی آن اسـت؛ ولی تنهـا در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام تحقق‌یافته است.

انقلاب فاطمی؛ موجی در امتداد تاریخ

امروزه امـواج تأثیـر انقلاب پیامبـر صلی‌الله‌علیه‌وآله و علی علیه‌السلام همچنان جهـان را می‌لرزاند؛ همان‌گونه که رهبری فرمودند، گاه سنگی انداخته می‌شود و موج آن قرن‌ها باقی می‌ماند. انقلاب اسلامی ایران و حماسـه‌هایی مانند راهپیمایی اربعین، ادامه همان موج هسـتند؛ جایی که انسان‌ها از هر دین و مسـلکی، فریاد عدالت‌خواهی علیه ظلم سـر می‌دهند. حتی یک غیرمسلمان در اربعین گفت: «من خدایی را که این جنبش را آفریده، می‌پذیرم؛ خدایی که سکوت در برابر ستم را رد می‌کند.»

ایـن نشـان می‌دهد کـه ولایت علی علیه‌السلام تنها به گذشـته تعلق ندارد؛ بلکه الـگویی زنده برای امروز اسـت. هیأت‌های حسینی باید این پیام را نشـر دهند: ولایت یعنی ساختن جامعه‌ای

ولایت علی علیه‌السلام تنها به گذشته تعلق ندارد؛ بلکه الگویی زنده برای امروز است. هیأت‌های حسینی باید این پیام را نشر دهند.

که در آن هیچ‌کس گرسنه نماند، هیچ‌کس تشنه عدالت نباشد و همه در سایه حکومتی الهی به آرامش برسند. این همان میراث فاطمی است که جهان تشنه آن است.

اگر حکومت به حق علی علیه‌السلام و فرزندان پاکش می‌رسید، جهان امروز چهره‌ای کاملاً متفاوت داشت. همان‌گونه که ظهور امام‌زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف جهان را متحول خواهد کرد، حکومت علوی نیز می‌توانست بشریت را به اوج عدالت و کمال برساند. در آن صورت، به‌جای حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس که با ظلم و فساد همراه بود، مردان الهی و خادمان مردم بر جهان حکم‌رانی می‌کردند و اسلام راستین به ابرقدرتی جهانی تبدیل می‌شد. چه‌بسا در همان دویست‌سال نخست، تمام جهان به نور اسلام منور می‌گردید و صلح و عدالت برقرار می‌شد.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام تأکید می‌کنند که سهم علی از حکومت، تنها به‌اندازه‌ای بود که بتواند به مردم خدمت کند؛ نه بیشتر. او به‌اندازه‌ای از مال دنیا بهره می‌برد که از گرسنگی و تشنگی نمیرد و تمامی منابع را برای رفاه و پیشرفت مردم به کار می‌گرفت. این یعنی در حکومت علوی، فقر، بی‌عدالتی و فساد ریشه‌کن می‌شد و برکات آسمان و زمین بر مردم نازل می‌گردید. دنیا به جایگاهی برای شکوفایی استعدادها و آخرت به مقصدی مطمئن تبدیل می‌شد.

اما متأسفانه با انتخاب مسیر غلط، مردم هزینه این نعمت عظیم را نپرداختند و نتیجه آن را در تاریخ دیدند: جنگ‌های داخلی، ظلم حاکمان و انحراف از ارزش‌های اسلامی. امروز نیز اگر می‌خواهیم به جامعه آرمانی برسیم، باید هزینه عدالت و اطاعت از ولایت را بپردازیم. این همان درسی است که هیأت‌های حسینی باید از سیره فاطمی بیاموزند: دفاع از ولایت یعنی تلاش برای ایجاد جامعه‌ای که در آن دنیا و آخرت مردم آباد باشد؛ حتی اگر رهبران آن در ساده‌زیستی زندگی کنند.



هیأتِ تراز انقلاب اسلامی

همان قله‌ای است که باید به سویش حرکت نمود. همان هیأتِ الگویی که گوشه گوشه و لحظه‌لحظه‌اش مورد رضایت امام عصر(عج) باشد. هیأتی است که شایسته برپایی در حضور حضرتش باشد. هیأتی آماده حضور و ظهور...ترسیم بایسته‌ها و شایسته‌های چنین هیأتی، هر چند سخت و دشوار می‌نماید. اما لازم است و ضروری...

***

در فانوس، فانوس به دست گرفته‌ایم و می‌کوشیم تا شاید بتوانیم برخی از ابعاد مختلف هیأت تراز انقلاب اسلامی را روشن کنیم.

جامعه ایمانی مشعر.
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور.
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست.
جامعه‌ای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است

جامعه ایمانی مشعر

۰۲۵-۳۶ ۶۳ ۱۲ ۲۰
۳۰۰۰ ۱۵۴۲
www.۱۵۴۲.org
info@۱۵۴۲.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
محبّان سیدالشهدا(ع) است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آیینه تولیدات
و فعّالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماست
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...